

تخفیف مجازات در حقوق کیفری ایران

مقدمه:

یکی از مهمترین اصولی که در حقوق جزای کشورهای مختلف جهان مورد قبول واقع شده است، اصل فردی کردن مجازات می باشد. قاضی کیفری موظف است با استفاده از ابزار خاصی که قانونگذار در اختیار او قرار داده است، به منظور تأمین هرچه بیشتر اهداف مجازات، با در نظر گرفتن خصوصیات خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... متهم، مجازاتی متناسب با وضعیت وی مورد حکم قرار دهد و پس از صدور حکم نیز این وظیفه را ادامه دهد. استفاده از برخی از این ابزارها مانند کیفیات مخففه و مشدده و تعلیق اجرای مجازات مربوط به زمان صدور حکم بوده و اعمال برخی دیگر مانند آزادی مشروط، به مرحله بعد از صدور حکم اختصاص دارد.

موضوع تخفیف مجازات، از جمله موضوعاتی است که در دوره های مختلف روند متفاوتی را طی نموده است. اگرچه در اعصار گذشته، به دلیل سوءاستفاده های فراوان قضات از اختیارات فوق العاده ای که در تعیین مجازات

به آنها واگذار شده بود، حقوقدانانی چون سزار بکار یا، مخالف مجازات‌هایی بودند که دارای حداقل و حداکثر بود و به منظور جلوگیری از خودکامگی قضات، نظام مجازات‌های «ثابت» را توصیه میکردند، لکن در عصر حاضر، با توجه به تحولات و پیشرفتهایی که در علوم جزایی حاصل شده است، کمتر حقوقدانی یافت میشود که به کارآیی و سازندگی مجازات‌های ثابت اعتقاد داشته باشد و امروزه در سیستم‌های مختلف حقوقی، نظام مجازات‌های دارای حداقل و حداکثر پذیرفته شده و قاضی کیفری در صورت احراز ضرورت، حتی میتواند مجازاتی کمتر از حداقل مجازات مقرر در قانون را نیز مورد حکم قرار دهد یا اینکه آن را به مجازات متناسب دیگری تبدیل نماید.

در قوانین کیفری ما، اعم از قوانینی که قبل و یا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی وضع شده‌اند، مقرراتی راجع به تخفیف مجازات دیده میشود که در این مقاله پس از بیان کلیاتی راجع به موضوع، به بررسی مقررات مذکور خواهیم پرداخت و در این رهگذر تکیه ما بیشتر بر مقرراتی خواهد بود که در حال حاضر لازم‌الاجراء میباشد.

بخش اول: اصول کلی تخفیف مجازات:

با بررسی مقرراتی که در خصوص تخفیف مجازات به تصویب رسیده و همچنین آرای که در این زمینه از مراجع قضایی صادر گردیده است به این نتیجه میرسیم که رعایت برخی اصول و قواعد در این زمینه لازم و ضروری است که ما در اینجا به اختصار توضیحاتی پیرامون آن بیان خواهیم کرد:

۱- تعیین کیفرمیان حداقل و حداکثر مجازات قانونی جرم، از اختیارات دادگاه بوده و در این خصوص نیازی به رعایت کیفیات مخففه و یا مشدده نمیشد، شعبه دوم دیوان عالی کشور بموجب احکام شماره ۳۹۱۷ مورخه ۱۳۱۹/۱۱/۲۰ و ۳۲۲۷ مورخه ۱۳۱۹/۷/۲۵ در این زمینه چنین رأی داده‌است:

«تعیین کیفر مابین حداقل و حداکثر کیفر قانونی موقوف به نظر دادگاه حکم دهنده است.»^(۱)

۲- در مواردی که مجازات جرمی دارای حداقل و حداکثر بوده و دادگاه در حکم خود به جهات و کیفیات مخففه اشاره نموده و ماده مربوط به تخفیف را نیز ذکر نماید، موظف است مجازات را از حداقل مقرر در قانون کمتر تعیین کند و یا اینکه آن را به مجازات دیگری تبدیل نماید. تخلف از این امر موجب بی اعتباری و نقض حکم صادره خواهد بود. این موضوع در آراء متعددی که از شعب دیوان عالی کشور صادر شده است مورد تأکید قرار گرفته که ذیلاً به برخی از آنها اشاره میکنیم:

در حکم شماره ۳۱۱۰ مورخه ۱۳۱۸/۱۲/۲۱ شعبه ۵ دیوان عالی کشور آمده است:

«اگر دادگاه در حکم خود به گذشت مدعی خصوصی استناد کند که طبعاً و برطبق ماده ۱۹۲ قانون کیفر عمومی از جهات مخففه به شمار میرود، بایستی کیفر را از حداقل مجازات جرم تنزل داده باشد.»^(۲)

در احکام شماره ۲۹۴۷ مورخه ۱۳۱۸/۱۱/۳۰ و ۲۰۶ مورخه ۱۳۲۱/۱/۲۲ شعبه ۵ و ۹۳۵ مورخه ۱۳۱۸/۵/۱ و ۲۸۵۴ مورخه ۱۳۱۵/۱۲/۲ شعبه ۲ دیوان عالی کشور آمده است:

«اگر دادگاه به استناد ماده ۴۵ اصلی رعایت تخفیف را نموده باشد، بایستی کیفر را از حداقل تنزل داده باشد.»^(۳)

در حکم شماره ۲۰۱۱ مورخه ۱۳۱۹/۶/۳۱ دیوان عالی کشور چنین آمده است:

۱- مجموعه قوانین جزایی و رویه های قضایی تا پایان خردادماه ۱۳۲۶، تدوین اداره دادرسی ارتش

(ص ۶۶۷).

۲- همان مرجع (ص ۶۶۸).

۳- همان مرجع (ص ۶۷۲).

«وقتی که دادگاه مورد را قابل تخفیف بداند تعیین حداکثر مجازات بی تناسب و موجب نقض حکم است.»^(۱)

در حکم شماره ۱۵۰۰ مورخه ۲۹/۶/۱۳۱۸ دیوانعالی کشور چنین آمده است: «عدم رعایت تخفیف درباره متهمی که دادگاه قابل تخفیف دانسته باشد موجب شکست حکم است.»^(۲)

در برخی از آراء دیوانعالی کشور چنین آمده است:

«اگر با موجود بودن علل مخففه در نظر دادگاه و رعایت آن و استناد به ماده ۴۵ مکرر قانون کیفر عمومی، معذک دادگاه حداکثر مجازات جرم را تعیین کند، این تخلف حکم را از قانونیت می اندازد.»^(۳)

در حکم شماره ۱۱۲۴/۱۰۷۷ مورخه ۲۴/۷/۱۳۱۱ دیوانعالی کشور چنین آمده است:

«در صورتی که محکمه مدلول ماده ۴۵ قانون مجازات عمومی را درباره متهم تصویب نماید، صدور حکم مجازات بین حداقل و اکثر بی مورد و قابل نقض خواهد بود.»^(۴)

شعبه ۲۰ دیوانعالی کشور نیز در این خصوص چنین رأی داده است: «باتوجه به مفاد لایحه تجدیدنظر خواهی محکوم علیه و مفاد حکم صادره و با توجه به اینکه دادگاه در حکم تجدید نظر خواسته با اعمال ماده ۲۲ مجازات اسلامی، حکم به محکومیت بمدت چهار سال صادر کرده در حالیکه در ماده ۶۷ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح استنادیه دادگاه، میزان مجازات ۲ تا ۱۰ سال تعیین شده است، لازم بوده دادگاه در صورتیکه متهم را مستحق تخفیف

۱- همان مرجع (ص ۶۶۴).

۲- همان مرجع (ص ۶۶۴).

۳- احکام شماره ۱۰۴۴ مورخه ۳۱/۳/۱۳۲۰ و ۲۰۱۱ مورخه ۳۱/۶/۱۳۱۹ شعبه ۵ و ۵۱۶ مورخه ۲۸/۲/۱۳۲۱ شعبه ۶ و ۳۰۷۲ مورخه ۲۸/۹/۱۳۱۹ شعبه ۲ دیوانعالی کشور.

۴- مجموعه حقوقی، سال اول، شماره ۲۰ (ص ۳۴).

در مجازات تشخیص داده، میزان مجازات را کمتر از حداقل تعیین کند، لذا دادنامه تجدیدنظر خواسته را نقض و رسیدگی را به شعبه دیگر دادگاه محول مینماید.»^(۱)

الزام دادگاه به تعیین مجازات کمتر از حداقل، در صورتی است که مجازات جرمی دارای حداقل و حداکثر باشد و اگر فرضاً در موردی نظیر ماده ۸۳ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح،^(۲) مجازات مرتکب حداکثر مجازات قانونی تعیین شده باشد، در این صورت با اعمال کیفیات مخففه ممکن است مجازات مرتکب را از حداکثر تخفیف داده و او را به مجازاتی مابین حداقل و حداکثر و یا کمتر از حداقل محکوم نمود و صدور حکم مابین حداقل و حداکثر در این موارد قانونی میباید.

۳- در صورتیکه دادگاه بخواهد مجازات متهمی را تخفیف دهد، مکلف است جهات و موجبات تخفیف مجازات را صریحاً در حکم قید نماید. تخلف از این امر موجب بی اعتباری و نقض حکم صادره خواهد بود، تبصره ۱ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در این خصوص مقرر میدارد:

«دادگاه مکلف است جهات تخفیف مجازات را در حکم صریحاً قید کند» این موضوع در آراء متعددی که از شعب دیوانعالی کشور صادر گردیده نیز، مورد تأیید قرار گرفته است.

شعبه ۵ دیوان عالی کشور در این خصوص چنین رأی داده است:

«تنزل از حداقل مجازات بدون ذکر علل مخففه و استناد به ماده ۴۵ قانون

کیفر عمومی مخالف قانون است.»^(۳)

۱- حکم شماره ۸۵۳/۲۰ مورخه ۱۳۷۲/۹/۲ شعبه ۲۰ دیوانعالی کشور.

۲- ماده ۸۳: در صورتیکه جاعل شخصاً از سند مجعول استفاده نماید حسب مورد به اشد مجازات مندرج در مواد فوق محکوم میشود.

۳- حکم شماره ۱۱۷۲ مورخه ۱۳۲۵/۹/۴ شعبه ۵ دیوانعالی کشور.

در حکم شماره ۱۲۲۵ مورخه ۱۳۱۹/۴/۱۷ دیوانعالی کشور نیز چنین آمده است:

«در جایی که مطابق قانون مجازات متهمی حداکثر باشد تعیین حداقل درباره او بدون رعایت تخفیف، موجب نقض حکم است.»^(۱)

در احکام شماره ۲۲۸۹ مورخه ۱۳۱۷/۱۰/۲۸ و ۱۱۶۸ مورخه ۱۳۱۷/۵/۲۵ و ۲۹۴۷ مورخه ۱۳۱۸/۱۱/۳۰ شعبه ۵ دیوان عالی کشور نیز این موضوع بوضوح مورد تأیید قرار گرفته است مطابق آراء مذکور:

«رعایت تخفیف از طرف دادگاه صرفاً به استناد ماده ۴۴ قانون کیفر عمومی و بدون ذکر جهات مخففه غیرموجه و مخالف قانون است.»^(۲)

نکته‌ای که لازم است به آن اشاره شود این است که هرچند عدم ذکر کیفیات مخففه در حکم دادگاه موجب نقض حکم می‌باشد لکن باید توجه داشت که چنانچه دادگاه جهات و موجبات تخفیف را در حکم قید نماید اما ماده قانونی مربوط به تخفیف مجازات را ذکر ننماید، این امر خللی به حکم صادره وارد نمی‌سازد، شعبه دوم دیوان عالی کشور بموجب احکام شماره ۱۴۴ مورخه ۱۳۲۱/۱/۳۱ و ۵۹۴ مورخه ۱۳۱۸/۳/۲۰ در این خصوص چنین رأی داده است:

«با ذکر علل و جهات تخفیف، عدم استناد به ماده مخففه از موجبات نقض حکم به شمار نمی‌رود.»^(۳)

۴- عدم ذکر جهات و موجبات تخفیف، علاوه بر اینکه موجب بی‌اعتباری حکم صادره می‌باشد، تخلف انتظامی محسوب و موجب محکومیت انتظامی قاضی

۱- مجموعه قوانین جزایی و رویه‌های قضایی تا پایان خردادماه ۱۳۲۶، تدوین اداره دادرسی ارتش، (ص ۶۶۴).

۲- همان مرجع (ص ۶۷۲).

۳- مجموعه قوانین جزایی و رویه‌های قضایی تا پایان خردادماه ۱۳۲۶، تدوین اداره دادرسی ارتش، (ص ۶۷۰).

صادر کننده حکم خواهد بود. دادگاه عالی انتظامی قضات بموجب حکم شماره ۳۶۹۹ مورخه ۱۳۲۴/۲/۳۱ در این خصوص چنین رأی داده است:

«تخفیف مجازات بدون ذکر علل مخففه، تخلف انتظامی محسوب است.»^(۱)
در احکام شماره ۴۱۹۲ مورخه ۱۳۲۶/۱۰/۷ و ۴۸۱۶ مورخه ۱۳۲۹/۱۰/۱۳ و ۴۸۱۹ مورخه ۱۳۲۹/۱۰/۱۹ محکمه عالی انتظامی قضات نیز این موضوع مورد تأیید قرار گرفته است، مطابق آراء مذکور:

«همانطوری که حکم محکمه میبایست از جهت ثبوت تقصیر موجه و مدلل باشد، حکمش در تعیین مجازات نیز میباید مدلل و مستند به ذکر علل قانونی باشد و هرچند مجازاتی را که تعیین میکند ممکن است آن را با قانون تطبیق نمود، ولی این در وقتی است که حکم حکایت از وجود اوضاع و احوال و علل موجب تخفیف نماید و هرگاه حکم دادگاه اشعاری به این معنی ولو تلویحاً نداشته و ماده راجع به تخفیف را هم که حداقل ذکر آن کاشف علل مخففه باشد ذکر ننماید، تخلف است.»^(۲)

در اینجا نیز لازم است این نکته را یادآور شویم که هرچند عدم ذکر علل مخففه در حکم، تخلف انتظامی محسوب میشود، اما چنانچه دادگاه علل و موجبات تخفیف را در حکم ذکر نماید لکن اشاره‌ای به ماده مربوط به تخفیف ننماید. این امر تخلف انتظامی محسوب نمیگردد. محکمه عالی انتظامی قضات بموجب احکام شماره ۳۸۱۵ و ۳۸۱۶ و ۳۸۱۷ مورخه ۱۳۲۴/۹/۱۱ و ۴۰۱۳ مورخه ۱۳۲۶/۱/۳۱ در این خصوص چنین رأی داده است:

«تخفیف و تنزیل مجازات از طرف حاکم، دائر مدار وجود موجبات تخفیف است و همین قدر که حاکم قضیه در نظرش مقتضی برای تخفیف موجود باشد،

۱- همان مرجع (ص ۶۷۵).

۲- همان مرجع (ص ۶۶۲).

می‌تواند آنرا تخفیف دهد، بدون اینکه حاجتی به ذکر ماده مستند عمل باشد، نهایت اینکه در مورد تخفیف و تنزیل مجازات میبایست در ضمن حکم متعرض بوجود جهات مخففه بشود بنابراین تخفیف مجازات با تعرض به جهات مخففه در حکم بدون ذکر ماده تخلف نیست»^(۱)

۵- علل و موجباتی که به منظور تخفیف مجازات در حکم دادگاه ذکر میگردد، باید محرز و مطابق با محتویات پرونده باشد و چنانچه محتویات پرونده با آنچه دادگاه به عنوان جهات تخفیف در حکم خود ذکر نموده است تعارض داشته باشد مثل اینکه دادگاه به فقد سابقه کیفری و معیل بودن متهم استناد نماید درحالی که متهم دارای سوابق متعدد بوده و عائله‌ای نیز نداشته باشد، این امر موجب بی‌اعتباری و نقض حکم خواهد بود.

۶- علی‌الاصول رعایت تخفیف درباره متهم از اختیارات دادگاه بوده که در صورت احراز استحقاق، مجازات او را تخفیف میدهد و چنانچه دادگاه اعمال تخفیف درباره متهمی را ضروری نداند و او را به مجازات قانونی محکوم نماید، حکم صادره صحیح و منطبق با موازین قانونی است و مرجع تجدیدنظر نیز نمی‌تواند حکم دادگاه بدوی را از این حیث نقض نماید.

بخش دوم: تخفیف مجازات در قوانین موضوعه ایران

گفتیم که در خصوص تخفیف مجازات، در کشور ما مقررات خاصی به‌تصویب رسیده که در این قسمت توضیحاتی پیرامون مقرراتی که به نحوی به موضوع تخفیف مجازات مربوط میشوند ارائه خواهیم کرد، قوانینی که در این زمینه مورد بررسی قرار میگیرند عبارتند از: ۱- قانون مجازات عمومی ۲- قانون راجع به مجازات اسلامی ۳- قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری ۴- قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری

۱- همان مرجع (ص ۶۶۲ و ۶۶۳).

اسلامی ایران ۵- قانون مجازات اسلامی ۶- قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح.

۱- تخفیف مجازات در قانون مجازات عمومی:

در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، مواد ۴۳ تا ۴۶ به تخفیف مجازات اختصاص داشت که بدلیل نسخ مقررات مذکور از بحث و بررسی دقیق آن خودداری و به ذکر مواد مربوطه اکتفا میکنیم.^(۱)

ماده ۴۲- هیچ جنایت یا جناحه را نمی‌توان عفو نمود و یا مجازات آن را تخفیف داد مگر در مواردی که قانون آنرا قابل عفو دانسته یا در مجازات آن تخفیفی داده است.

ماده ۴۴- در موارد جنایات، در صورتی که مطابق این قانون اوضاع و احوال قضیه مقتضی تخفیف مجازات باشد هیئت حاکمه می‌تواند مجازات‌های جنایی را بطریق ذیل تخفیف دهد:

- ۱- اعدام به حبس دائم یا موقت با اعمال شاقه.^(۲)
- ۲- حبس دائم با اعمال شاقه به حبس موقت با اعمال شاقه یا به حبس مجرد.
- ۳- حبس موقت با اعمال شاقه به حبس مجرد یا حبس تأدیبی که کمتر از دو سال نباشد.

۴- حبس مجرد به حبس تأدیبی که کمتر از شش ماه نباشد.

۵- تبعید به اقامت اجباری یا ممنوعیت از اقامت در نقطه یا نقاط معین.

۶- محرومیت از تمام حقوق اجتماعی به بعض آن.

ماده ۴۵- در موارد جناحه اگر اوضاع و احوال قضیه مقتضی تخفیف باشد،

۱- جهت آشنایی بیشتر بپروان تخفیف مجازات در قانون مجازات عمومی رجوع کنید به دکتر علی آزمایش، رویه قضایی در امر تخفیف کیفر، مهنامه قضایی، سال پنجم (۱۳۴۹)، شماره ۵۵ تا ۵۹.
 ۲- جهت آشنایی با انواع جرائم و مجازات‌ها در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، رجوع کنید به مواد ۷ تا ۱۲ قانون مذکور.

محکمه میتواند مجازات حبس تأدیبی را تا هشت روز تخفیف داده یا آن را تبدیل به غرامت نماید.

ماده ۴۵ مکرر قانون مذکور نیز که در تاریخ ۱۳۱۳/۳/۱۵ به تصویب رسیده است چنین مقرر میدارد:

«در موارد تکرار یا تعدد جرم و همچنین در کلیه مواردی که مطابق قانون، مجرم باید به حداکثر مجازات محکوم شود، هرگاه محکمه موجبات تخفیف مجازات را موجود بداند، میتواند مرتکب را به کمتر از حداکثر محکوم کند بدون اینکه بتواند مجازات را به کمتر از حداقل تنزیل دهد و هرگاه مجازات مقرر بدون حداقل و اکثر باشد محکمه میتواند در مورد حکم اعدام و حبس دائم یک درجه و در سایر موارد فقط تا معادل یک ربع از میزان جزای اصل عمل را تخفیف دهد.

ماده ۴۶- در حق مردانی که عمر آنها متجاوز از شصت سال است و همچنین کلیه زنها، حبس با اعمال شاقه و حکم اعدام جاری نمیشود و مجازات آنها به حبس مجرد تبدیل خواهد شد مگر اینکه حکم برای ارتکاب به قتل عمدی صادر شود.

در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲، مادتهای ۴۵ و ۴۶ به تخفیف مجازات اختصاص داشت که در مقررات سابق تغییراتی ایجاد کرد، مواد مذکور عیناً نقل میشود.

ماده ۴۵- در مورد جنحه و جنایت، دادگاه در صورت احراز کیفیات مخففه میتواند مجازات را کمتر از میزانی که بموجب قانون باید حکم دهد بشرح ماده ۴۶ معین کند، کیفیات مخففه که ممکن است موجب تخفیف مجازات بشود، علل و جهاتی است از قبیل:

۱- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی.

۲- اظهارات و راهنمایی‌های متهم که در شناختن شرکاء و معاونان جرم و یا

کشف اشیایی که از جرم تحصیل شده، مؤثر باشد.

۳- اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تأثیر آنها مرتکب جرم شده است از قبیل رفتار و گفتار تحریک‌آمیز مجنی‌علیه یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم.

۴- اعلام متهم قبل از تعقیب و یا اقرار او در مرحله تحقیق که مؤثر در کشف جرم باشد.

۵- وضع خاص شخص و یا حسن سابقه متهم.

۶- اقدامات یا کوشش متهم به منظور تخفیف اثرات جرم و جبران زیان ناشی از آن.

تبصره ۱- دادگاه مکلف است جهات و دلایل تخفیف مجازات را در احکام صریحاً قید کند.

تبصره ۲- در مواردی که نظیر کیفیات مخففه مذکور در این ماده در مواد خاصی پیش‌بینی شده باشد دادگاه نمی‌تواند بموجب همان کیفیت دوباره مجازات متهم را تخفیف دهد.

ماده ۴۶- دادگاه می‌تواند در صورت وجود کیفیات مخففه مجازاتهای جنحه و جنایت را به طریق زیر تخفیف دهد مگر اینکه در قانون خلاف آن مقرر شده باشد:

۱- اعدام به حبس دائم یا حبس جنایی درجه ۱.^(۱)

۲- حبس دائم به حبس جنایی درجه ۱ یا درجه ۲.

۳- حبس جنایی درجه ۱ به حبس جنایی درجه ۲ که بیش از سه سال نباشد یا حبس جنحه‌ای که کمتر از دو سال نباشد.

۴- حبس جنایی درجه ۲ به حبس جنحه‌ای که بیش از دو سال و کمتر از شش ماه نباشد.

۱- جهت اطلاع بیشتر پیرامون انواع جرائم و مجازاتها در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ رجوع

کنید به مواد ۷ تا ۱۴ قانون مذکور.

۵- حبس جنحه‌ای تا حداقل حبس مزبور یا تا حداقل جزای نقدی.

تبصره ۱- در مورد جزاهای نقدی نسبی، کیفیات مشدده و مخففه قابل اعمال نیست ولی در مورد جزای نقدی ثابت دادگاه میتواند در صورت وجود کیفیات مخففه جزای نقدی را اعم از اینکه توأم با حبس باشد یا نباشد تا نصف حداقل مقرر برای آن جرم و در صورتیکه بدون حداقل و حداکثر باشد تا نصف تخفیف دهد.

تبصره ۲- در صورتی که مرتکب قبلاً با استفاده از کیفیات مخففه به جزای نقدی محکوم شده باشد دادگاه نمیتواند مجدداً با رعایت تخفیف مجازات حبس او را به جزای نقدی تبدیل نماید مگر اینکه جرم ارتكابی قبلی غیر عمدی باشد.

در خصوص اعمال کیفیات مخففه در موارد تکرار و تعدد جرم که ماده ۴۵ مکرر قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۱۳ در مورد آن تعیین تکلیف نموده بود، مقرراتی در ماده ۲۵ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ و تبصره ۲ آن ماده و نیز بند ح ماده ۳۲ قانون مذکور وضع که عیناً نقل میگردد.

ماده ۲۵- در مورد تکرار جرم بطریق زیر رفتار میشود:

اگر مجرم دارای سابقه محکومیت جنایی یا جنحه باشد و مرتکب جرم دیگری شود به بیش از حداکثر مجازات جرم جدید محکوم میگردد، بدون آنکه از یک برابر و نیم حداکثر مذکور تجاوز کند در صورت وجود کیفیات مخففه دادگاه نمیتواند مجازات مرتکب را کمتر از یک برابر و نیم حداقل مجازات جرم جدید تعیین کند.

در صورتی که جرم جدید نظیر یکی از جرائم سابق مجرم اعم از شروع و مباشرت و شرکت و معاونت در جرم باشد مجازات او بیش از حداکثر مجازات جرم جدید خواهد بود بدون آنکه از دو برابر حداکثر مذکور تجاوز کند و در این مورد دادگاه نمی‌تواند با رعایت کیفیات مخففه مرتکب را به کمتر از دو برابر

حداقل مجازات جرم جدید محکوم نماید مگر آنکه دو برابر حداقل بیش از حداکثر مجازات باشد که در این صورت به حداکثر محکوم خواهد شد.

تبصره ۲ ماده مذکور نیز مقرر میدارد:

«در صورتیکه مجازات جرم جدید اعدام یا حبس ابد باشد دادگاه میتواند در صورت وجود کیفیات مخففه مجازات را یک درجه تخفیف دهد و در موردی که مجازات جرم جدید فاقد حداقل و اکثر باشد دادگاه با وجود کیفیات مخففه میتواند یک ربع از اصل مجازات حبس را تخفیف دهد.

بند ح ماده ۳۲ قانون مذکور در خصوص اعمال کیفیات مخففه در مورد

تعدد جرم مقرر میدارد:

در صورت وجود کیفیات مخففه در مورد تعدد جرم بطریق زیر تعیین

مجازات خواهد شد:

۱- در مورد کسانی که تا سه جرم مشمول مقررات تعدد جرم مرتکب شده‌اند دادگاه میتواند مجازات را تا حداقل مجازات اصلی و اگر مجازات فاقد حداقل و اکثر باشد مجازات اصلی را تا نصف تقلیل دهد، در هر صورت مجازات را نمی‌توان کمتر از ۶۱ روز حبس جنحه‌ای تعیین کرد.

۲- در مورد کسانی که بیش از سه جرم مشمول مقررات تعدد جرم مرتکب شده‌اند دادگاه میتواند مجازات را تا یک برابر و نیم حداقل مجازات اصل جرم تخفیف دهد و اگر مجازات فاقد حداقل و اکثر باشد میتواند $\frac{1}{2}$ آنرا تخفیف دهد بدون اینکه در هیچ مورد از ۶۱ روز حبس جنحه‌ای کمتر باشد.

۲- تخفیف مجازات در قانون راجع به مجازات اسلامی:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، مقررات قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ از جمله مواد مربوط به تخفیف مجازات قانون مذکور تا سال ۱۳۶۱ لازم‌الاجراء بود تا اینکه در این سال در راستای ضرورت اسلامی

شدن مقررات جزایی، قانون راجع به مجازات اسلامی به تصویب رسید و جایگزین قانون مجازات عمومی گردید، در قانون راجع به مجازات اسلامی تقسیم‌بندی سابق جرائم به جنایت و جنحه و خلاف از بین رفت و جرائم به حدود و قصاص و دیات و تعزیرات تقسیم شدند.

ماده ۳۵ این قانون به موضوع تخفیف مجازات اختصاص داشت. مطابق ماده مذکور:

درمورد تعزیرات، دادگاه در صورت احراز کیفیات مخففه میتواند مجازات را تخفیف دهد. کیفیات مخففه که ممکن است موجب تخفیف مجازات بشود علل و جهاتی است از قبیل:

۱- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی.

۲- اظهارات و راهنمایی‌های متهم که در شناختن شرکاء و معاونان جرم و یا کشف اشیایی که از جرم تحصیل شده مؤثر باشد.

۳- اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تأثیر آنها مرتکب جرم شده است از قبیل رفتار و گفتار تحریک‌آمیز مجنی‌علیه یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم.

۴- اعلام متهم قبل از تعقیب و یا اقرار او در مرحله تحقیق که مؤثر در کشف جرم باشد.

۵- وضع خاص شخص و یا سابقه متهم.

۶- اقدامات یا کوشش متهم به منظور تخفیف اثرات جرم و جبران زیان ناشی از آن.

تبصره ۱- دادگاه مکلف است جهات و دلایل تخفیف مجازات را در حکم صریحاً قید کند.

تبصره ۲- در مواردی که نظیر کیفیات مخففه مذکور در این ماده در مواد

خاصی پیش‌بینی شده باشد دادگاه نمی‌تواند بموجب همان کیفیات دوباره مجازات را تخفیف دهد.

تبصره ۲- در مورد تعدد جرم دادگاه می‌تواند علل مخففه را رعایت کند.

در خصوص ماده مذکور توجه به نکات ذیل ضروری است:

۱- تخفیف مجازات در ماده مذکور، به جرائم تعزیری اختصاص دارد و در خصوص سایر جرائم مذکور در قانون راجع به مجازات اسلامی (حدود، قصاص، دیات) امکان تخفیف مجازات وجود ندارد.

۲- اعمال کیفیات مخففه در خصوص جرائم تعزیری از اختیارات دادگاه است.

۳- مصادیق کیفیات مخففه در ماده مذکور بصورت تمثیلی بیان شده نه حصری و امکان این وجود دارد که محکمه جهات دیگری نیز به عنوان علل مخففه مد نظر قرار دهد.

۴- برخلاف بند ۵ ماده ۴۵ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ که به «حسن سابقه متهم» به عنوان یکی از جهات تخفیف اشاره نموده است، در ماده ۲۵ قانون راجع به مجازات اسلامی به «سابقه متهم» اشاره شده است، سؤالی که در اینجا مطرح میشود این است که با توجه به تغییر مذکور، منظور از «سابقه» مذکور در ماده ۲۵ چیست؟ بنظر میرسد هرچند عبارت دو قانون فوق‌الذکر متفاوت میباشد و تغییر در عبارت ایجاد شده است، ولی در منظور قانونگذار تغییری ایجاد نشده است، به عبارت دیگر منظور قانونگذار از عبارت «سابقه متهم» در ماده ۲۵ سابقه‌ای است که به اتکاء آن می‌توان استحقاق متهم را در باب استفاده از تخفیف، استنباط نمود و بدیهی است که چنین سابقه‌ای جز «حسن سابقه» چیز دیگری نخواهد بود.

۵- هرچند مطابق تبصره ۳ ماده ۳۵، اعمال کیفیات مخففه در خصوص تعدد جرم صریحاً مجاز شمرده شده، لکن در خصوص تکرار جرم حکمی مقرر

نگریده است. ممکن است تصور شود که از مفهوم مخالف تبصره مذکور میتوان ممنوعیت اعمال کیفیات مخففه در مورد تکرار جرم را استنباط نمود، لکن به نظر ما این تصور صحیح نیست و حکم مسئله را از مفهوم مخالف تبصره مذکور نمی‌توان استنباط نمود. به تعبیر دیگر تبصره مذکور فاقد مفهوم مخالف است و با توجه به عدم تصریح به ممنوعیت اعمال کیفیات مخففه درخصوص تکرار جرم، اعمال کیفیات مذکور بلامانع است و ذکر تبصره ۳ درخصوص تعدد جرم نیز از باب تأکید است. تفسیر به نفع متهم نیز مؤید این نظر است.

۳- تخفیف مجازات در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس

وکلاهدرداری

گفتیم که مطابق ماده ۳۵ قانون راجع به مجازات اسلامی، اعمال کیفیات مخففه درخصوص جرائم تعزیری بدون هیچگونه حد و حصری ممکن بود و دادگاه می‌توانست درصورت احراز جهات مخففه مجازات مرتکب را تا هر میزان که بخواهد تخفیف دهد یا اینکه آن را به مجازات دیگری تبدیل کند، مقررات ماده مذکور تا سال ۱۳۶۷ درخصوص کلیه جرائم تعزیری لازم‌الاجراء بود تا اینکه در تاریخ ۱۳۶۷/۹/۱۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهدرداری به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی رسید و محدودیت‌هایی در رابطه با اعمال ماده ۳۵ قانون مجازات اسلامی درخصوص پاره‌ای از جرائم ایجاد نمود، تبصره ۱ ماده ۱ قانون مذکور درخصوص تخفیف مجازات جرم کلاهدرداری چنین مقرر میدارد:

«در کلیه موارد مذکور دراین ماده درصورت وجود جهات و کیفیات مخففه دادگاه می‌تواند با اعمال ضوابط مربوط به تخفیف، مجازات مرتکب را فقط تا حداقل مجازات مقرر دراین ماده (حبس) و انفصال ابد از خدمات دولتی تقلیل دهد ولی نمی‌تواند به تعلیق اجرای کیفر حکم دهد.»

بنابراین مطابق تبصره مذکور، دادگاه در صورت احراز جهات مخففه صرفاً می‌تواند مجازات مرتکب را تا حداقل مجازات حبس تخفیف دهد و نمی‌تواند حکم به کمتر از حداقل صادر نماید. البته با عنایت به مطالبی که سابقاً در خصوص اختیار دادگاه در تعیین مجازات بین حداقل و حداکثر بدون توجه به کیفیات مخففه بیان کردیم، چنین نتیجه می‌گیریم که قانونگذار در این تبصره اصولاً اعمال تخفیف را ممنوع کرده است.

نکته‌ای که لازم است به آن توجه شود این است که آیا جزای نقدی ثابت (معادل مال مأخوذه) که به عنوان یکی از مجازاتهای کلاهبرداری در ماده ۱ قانون مذکور مقرر گردیده است قابل تخفیف می‌باشد یا خیر؟

به نظر ما با عنایت به اینکه از طرفی جزای نقدی در قانون مذکور مجازات ثابتی بوده و فاقد حداقل و حداکثر می‌باشد و از طرف دیگر در تبصره ۱ ماده ۱ قانون مذکور، با استعمال لفظ «فقط» اعمال تخفیف محدود به مجازات حبس، آن هم تا حداقل مجازات قانونی گردیده است تخفیف مجازات مذکور صحیح به نظر نمی‌رسد مضافاً به اینکه غرض و مقصود قانونگذار از تصویب قانون مذکور، که همانا اعمال مجازاتهای شدید در مورد مرتکبین جرائم مندرج در قانون موصوف می‌باشد، با برداشت فوق هماهنگی بیشتری دارد. تبصره ۲ ماده ۲ قانون مذکور نیز در خصوص خرید و فروش موافقت اصولی یا سوءاستفاده از آن و یا تقلب در توزیع کالا چنین مقرر میدارد:

«در موارد مذکور در این ماده در صورت وجود جهات تخفیف و تعلیق، دادگاه مکلف به رعایت مقررات تبصره ۱ ماده ۱ این قانون خواهد بود.»

همچنین تبصره ۶ ماده ۵ قانون مرقوم، در خصوص بزه اختلاس چنین مقرر میدارد:

«در کلیه موارد مذکور در صورت وجود جهات تخفیف، دادگاه مکلف به رعایت

مقررات تبصره يك ماده يك از لحاظ حداقل حبس و نیز بنا به مورد حداقل انفصال موقت و یا انفصال دائم خواهد بود.»

با عنایت به اینکه در تبصره مذکور عبارت «... بنا به مورد حداقل انفصال موقت و یا انفصال دائم» قید شده این سؤال مطرح میشود که آیا لفظ «حداقل» به انفصال دائم نیز مربوط میشود یا اینکه صرفاً به انفصال موقت اختصاص دارد؟ برخی براین باورند که قانونگذار درخصوص انفصال دائم نیز حداقل قائل شده است و حداقل مورد نظر در ماده ۵ قانون مذکور، پنج سال انفصال میباشد، بدین توضیح که حداکثر انفصال موقت پیش‌بینی شده در ماده مذکور (تبصره ۲) را به عنوان حداقل انفصال دائم محسوب می‌نمایند. به نظر ما این عقیده صحیح به نظر نمی‌رسد چرا که اولاً انفصال دائم مجازاتی است ثابت و اساساً فرض وجود حداقل و حداکثر درخصوص آن منتفی است و ثانیاً عبارت «... بنا به مورد» که در تبصره ۶ ماده ۵ بیان شده است ناظر به موارد مختلف انفصال موقت (شش ماه تا سه سال و یک تا پنج سال) میباشد که در ماده مذکور و تبصره‌های آن مقرر گردیده است و منظور از موردهای مختلف، انفصال موقت و انفصال دائم نمیشود و ثالثاً در تبصره ۱ ماده ۱ نیز لفظ انفصال دائم استعمال شده است در صورتی که در ماده مذکور اصولاً انفصال موقت پیش‌بینی نشده تا اینکه بخواهیم حداکثر مدت آنرا بعنوان حداقل انفصال دائم محسوب نماییم و بالاخره مؤید دیگر اینکه در تبصره ۶ ماده ۵ قانون مرقوم، انفصال دائم به کمک لفظ «یا» از عبارت «... حداقل انفصال موقت» تفکیک گردیده است.

۴- تخفیف مجازات در قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی،

فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

با عنایت به اینکه قانونگذار در قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۱/۱۱/۱۳۶۸، تغییراتی در مجازات

برخی از جرائم بوجود آورد، اشاره مختصری به قانون مذکور ضروری بنظر میرسد، مطابق بند ۱ تبصره ۱۷ قانون مذکور:

«در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات کمتر از ۹۱ روز حبس و یا مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی باشد از این پس بجای حبس یا آن مجازات تعزیری، حکم به جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا یک میلیون ریال داده خواهد شد و هرگاه حداکثر مجازات بیش از ۹۱ روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد، دادگاه مخیر است که حکم به بیش از سه ماه حبس یا جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا سه میلیون ریال بدهد، در صورتیکه در موارد فوق حبس و یا سایر محکومیت‌های تعزیری موضوع تخلفات رانندگی با جزای نقدی باشد و به جای حبس یا آن مجازات تعزیری جزای نقدی مورد حکم قرار گیرد، هر دو جزای نقدی با هم جمع خواهد شد.»

بحث و بررسی دقیق پیرامون مقرر فوق الذکر و تشریح هدف قانونگذار از وضع آن فرصت دیگری را می‌طلبد و از حوصله این مقاله خارج است، لکن به مقتضای موضوع مورد بحث نیلأ به چند نکته اشاره می‌کنیم:

۱- پس از وضع قانون مذکور، در خصوص امکان اجرای ماده ۲۵ قانون راجع به مجازات اسلامی در خصوص مواردی که مشمول تبصره مذکور میگردد، نظریات مختلفی از طرف حقوقدانان ابراز گردید. گروهی معتقد بودند که تبدیلی که قانونگذار در تبصره ۱۷ مقرر کرده است خود از مصادیق تخفیف مجازات است و بدین دلیل چون اعمال ماده ۲۵ قانون فوق الاشعار به معنای تخفیف مجدد و مضاعف میباشد، فلذا اجرای ماده مذکور در خصوص موارد مشمول تبصره امکان پذیر نیست. در مقابل گروهی نیز معتقد به امکان اجرای ماده ۲۵ در خصوص موارد مشمول تبصره ۱۷ بودند. به نظر ما تبصره ۱۷ مجازات قانونی برخی از جرائم را تبدیل نموده و در خصوص برخی از جرائم نیز تبدیل را

دراختیار دادگاه قرار داده است و در این موارد علی‌الاصول، رعایت ماده ۳۵ هیچگونه اشکالی ایجاد نمی‌کند.

اداره حقوقی قوه قضائیه در پاسخ به استعلامی که از طرف نگارنده به عمل آمده است این نظر را تأیید نموده که جهت اطلاع بیشتر سؤال مطروحه و نظریه اداره مذکور عیناً نقل می‌گردد:

س: آیا دادگاه در صورت اصرار کیفیت مخففه (ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی)^(۱) می‌تواند مجازات را از حداقل حبس و جزای نقدی مقرر در بند ۱ تبصره ۱۷ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی و... (۹۱ روز حبس و ۷۰۰۰۱ ریال جزای نقدی) تقلیل داده و یا آن را به مجازات دیگری مثلاً شلاق محکوم نماید؟

نظریه شماره ۷/۶۶۲۵ مورخه ۱۳۷۱/۷/۱۹ اداره حقوقی قوه قضائیه بشرح ذیل است:

«چنانچه براساس بند ۱ تبصره ۱۷ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران حکم صادر گردد و دادگاه محکوم را حائز شرایط مربوط به تخفیف مجازات و یا تعلیق اجرای مجازات تشخیص دهد اعمال مواد ۲۲ و ۲۵ قانون مجازات اسلامی بلاشکال بوده و منع قانونی ندارد.»

کمیسیون حقوقی دادستانی کل کشور در پاسخ به سؤال فوق‌الذکر بموجب نظریه شماره ۱۰۲/۱۱۴۳۷/۷۱/۱۴۰ مورخه ۱۳۷۲/۴/۱۲ چنین اظهار عقیده نموده است:

«اولاً تخفیف جایز است، ثانیاً نبایستی حداقل مجازات از ۷۰۰۰۱ ریال کمتر تعیین شود، ضمناً مجازات شلاق نسبت به جزای نقدی اشد به نظر میرسد نه اخف.»

۱- ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ از این حیث همانند ماده ۳۵ قانون راجع به مجازات اسلامی است و در آینده پیرامون آن بحث خواهیم کرد.

ظاهراً تفکیکی که درخصوص جواز و عدم جواز تخفیف به عمل آمده است ناظر به حبس و جزای نقدی است بدین توضیح که اعمال تخفیف درخصوص قسمت اخیر تبصره درمورد حبس جایز است و دادگاه می‌تواند حکم به کمتر از ۹۱ روز حبس صادر نماید، لکن درخصوص جزای نقدی اعمال کیفیات مخففه ممنوع است و دادگاه نمیتواند حکم به کمتر از ۷۰۰۰۱ ریال صادر نماید.

به نظر ما چنین تفکیکی فاقد مبنای حقوقی است چرا که مجازات حبس و جزای نقدی بصورت تخییری مقرر شده و معلوم نیست به چه دلیل اعمال تخفیف درخصوص یکی از دو مجازات مذکور ممکن و درخصوص دیگری غیرممکن است. ۲- مطابق رأی وحدت رویه شماره ۵۴۰ مورخه ۱۳۶۹/۸/۲۹ هیئت عمومی دیوانعالی کشور:

«بند ۱ تبصره ۱۷ ماده واحده قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب بهمن ماه ۱۳۶۸ که مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی را جزای نقدی مقرر کرده در مواردی هم که حکم دادگاه کیفری در مرحله رسیدگی تجدیدنظر باشد قابل اعمال است...»^(۱)

۵- تخفیف مجازات در قانون مجازات اسلامی

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۵/۸، قانون دیگری است که به موضوع تخفیف مجازات اشاره نموده است. ماده ۲۲ قانون مذکور دراین خصوص مقرر میدارد:

«دادگاه میتواند درصورت احراز کیفیات مخففه، مجازات تعزیری و یا بازدارنده را تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسبتر به حال متهم باشد، جهات مخففه عبارتند از:

۱- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی.

۱- فرج‌الله قربانی، مجموعه آراء وحدت رویه دیوانعالی کشور، جزایی، از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۷۰،

۲- اظهارات و راهنمایی‌های متهم که در شناختن شرکاء و معاونان جرم و یا کشف اشیایی که از جرم تحصیل شده است مؤثر باشد.

۳- اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تأثیر آنها مرتکب جرم شده است از قبیل: رفتار و گفتار تحریک‌آمیز مجنی‌علیه یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم.

۴- اعلام متهم قبل از تعقیب و یا اقرار او در مرحله تحقیق که مؤثر در کشف جرم باشد.

۵- وضع خاص متهم و یا سابقه او.

۶- اقدام یا کوشش متهم به منظور تخفیف اثرات جرم و جبران زیان ناشی از آن.

تبصره ۱- دادگاه مکلف است جهات تخفیف مجازات را در حکم صریحاً قید کند.

تبصره ۲- در مورد تعدد جرم نیز دادگاه میتواند جهات مخففه را رعایت کند.

تبصره ۳- چنانچه نظیر جهات مخففه مذکور در این ماده در مواد خاصی پیش‌بینی شده باشد دادگاه نمی‌تواند بموجب همان جهات دوباره مجازات را تخفیف دهد.

ماده مذکور در حال حاضر به عنوان اساس و محور تخفیف مجازات در حقوق ما میباشد که جایگزین برخی از مقررات سابق از جمله ماده ۳۵ قانون راجع به مجازات اسلامی گردیده است.

در مقام مقایسه بین ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی و ماده ۳۵ قانون راجع به مجازات اسلامی توجه به نکات ذیل ضروری است:

۱- برخلاف ماده ۳۵ که در آن تخفیف مجازات به مجازاتهای تعزیری اختصاص داشت، در ماده ۲۲ علاوه بر تعزیرات، به مجازاتهای بازدارنده نیز اشاره شده است. مجازاتهای بازدارنده از جمله مجازاتهایی است که در ماده ۱۲

قانون مجازات اسلامی به آن اشاره شده و ماده ۱۷ قانون مذکور نیز آنرا تعریف نموده است.^(۱)

۲- مطابق ماده ۲۲، دادگاه در مقام اعمال تخفیف میتواند مجازات تعزیری و یا بازدارنده را به مجازات متناسب دیگری تبدیل نماید در حالیکه در ماده ۳۵ از امکان تبدیل مجازات ذکری به میان نیامده بود البته باید دانست باتوجه به اینکه تبدیل مجازات، خود از مراتب تخفیف می باشد، در زمان حاکمیت ماده ۳۵ نیز رویه قضایی تبدیل مجازات را پذیرفته بود، با وجود این به منظور رفع هرگونه شک و تردید ماده ۲۲ صریحاً به این موضوع اشاره نموده است.

۳- جهات مخففه در ماده ۲۲ بصورت حصری پیش بینی شده در حالیکه در ماده ۳۵ با ذکر عبارت «از قبیل» جهات مذکور بصورت تمثیلی پیش بینی شده بود.

به جز موارد فوق الذکر، مادتین ۲۲ و ۳۵ از جهات دیگر یکسان بوده و اختلافی باهم ندارند و بدین جهت از توضیح بیشتر پیرامون آن خودداری کرده و صرفاً به چند نکته اشاره می کنیم:

الف: در خصوص تعارض مقررات ماده ۲۲ قانون فوق الذکر با مقررات تبصره ۱ ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری و امکان جمع آنها دو نظریه ارائه شده است:

۱- برخی معتقدند با عنایت به اینکه قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و... یک قانون خاص و ماده ۲۲ قانون فوق الذکر یک قانون عام است و عام مؤخر علی الاصول نمی تواند ناسخ خاص مقدم باشد، فلذا مقررات قانون تشدید به اعتبار خود باقی است.

۱- مطابق ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی: «مجازات بازدارنده، تأدیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین میگردد از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن».

۲- نظر دیگر که نگارنده نیز به آن معتقد است این است که با عنایت به ماده ۴۹۷ قانون مجازات اسلامی که مقرر میدارد: «کلیه قوانینی که با این قانون مغایر باشند ملغی است» و اینکه مغایرت مقررات قانون تشدید با ماده ۲۲ امری بدیهی است، فلذا مقررات قانون تشدید در باب تخفیف مجازات به صراحت ماده ۴۹۷ قانون مجازات اسلامی منسوخ می‌باشد. تفسیر به نفع متهم نیز مؤید این نظر است.

شعبه ۳۱ دیوانعالی کشور بموجب حکم شماره ۳۱/۴۸۶ مورخه ۱۳۷۲/۶/۱۸ این نظر را تأیید نموده است.
مطابق رأی مذکور:

«باتوجه به ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب هفتم آذرماه ۱۳۷۰ که متأخر از قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۵ آذرماه ۱۳۶۷ می‌باشد و بطور اطلاق اعلام داشته دادگاه میتواند در صورت احراز جهات مخففه مجازات تعزیری و یا بازدارنده را تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگر نماید که مناسبتر به حال متهم باشد، بنابراین چون دادگاه صادرکننده رأی بعلت وجود جهات تخفیف به ماده فوق‌الذکر استناد کرده که ماده مزبور دارای اطلاق و عموم است، لذا اعتراض آقای دادیار اجرای احکام به نظر وارد نیست ورد میشود....»

ب: برخلاف آنچه درخصوص نسخ مقررات قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و.... در باب تخفیف مجازات گفته شد، درخصوص بند ۱ تبصره ۱۷ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی و.... همانطور که سابقاً گفتیم تعارضی بین مقررات مذکور و ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مشاهده نمیشود و با اعمال ماده اخیرالذکر میتوان مجازات را از حداقل مقرر در تبصره ۱۷ (۹۱ روز حبس و ۷۰۰۰۱ ریال جزای نقدی) نیز تقلیل داد یا اینکه آن را به مجازات دیگری تبدیل

نمود اما باید توجه داشت که تبدیل مجازات در فرض اول و دوم تبصره (مواردی که حداکثر مجازات جرمی ۹۱ روز حبس است و مجازاتهای تعزیری موضوع تخلفات رانندگی) به مجازات اصلی (مجازات‌هایی که قبل از تبصره ۱۷ در قانون پیش‌بینی شده است)، ممنوع است چرا که این امر موجب نقض غرض قانونگذار از تبدیل مجازات بشرح مقرر در تبصره ۱۷ می‌باشد.

ج: با عنایت به امکان تبدیل مجازات تعزیری و بازدارنده به مجازات متناسب دیگر در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی و اینکه تعیین مجازات اخف و اشد در سیستم فعلی حقوق کیفری، با توجه به خصوصیات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و... متهم، برعهده دادگاه می‌باشد، این سؤال مطرح می‌شود که چنانچه دادگاه مجازات متهم را تبدیل نماید و متهم در مقام اعتراض به حکم صادره مدعی شود که مجازات مقرر در حکم دادگاه متناسب با وضعیت وی نمی‌باشد و اجرای مجازات قانونی در خصوص وی متناسبتر است، تکلیف مرجع تجدیدنظر چیست؟

شعبه دوم دادگاه نظامی یک استان فارس بموجب حکم شماره ۱۲۸۹ مورخه ۷۲/۱۲/۲۵، در خصوص بزه تصرف غیرقانونی موضوع ماده ۷۶ قانون تعزیرات^(۱)، که دادگاه بدوی با اعمال ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی متهم را به ۵۰ هزار تومان جزای نقدی محکوم نموده بود، حکم دادگاه بدوی را به این استدلال که مطابق اظهارات متهم مجازات نقدی نسبت به حال وی اشد است نقض و متهم را به ده ضربه شلاق محکوم نموده است.

به نظر ما با توجه به اینکه انتخاب مجازات متناسب با دادگاه می‌باشد، مرجع تجدیدنظر میتواند به ادعای متهم ترتیب اثر نداده و حکم دادگاه بدوی را تأیید نماید اما در صورتی که مرجع تجدیدنظر ادعای متهم را صحیح تشخیص داده و مجازات مقرر در حکم بدوی را متناسب نداند، هیچ منعی برای پذیرش

۱- مجازات مقرر در ماده ۷۶ قانون تعزیرات، شلاق تا ۷۴ ضربه است.

ادعای متهم و نقض حکم دادگاه بدوی و تعیین مجازات متناسب در مورد متهم وجود ندارد.

۶- تخفیف مجازات در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح

قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۸/۵/۱۳۷۱ در خصوص تبدیل مجازات حبس در دادگاههای نظامی مقررات خاصی را پیش‌بینی نموده است. مطابق ماده ۳ قانون مذکور:

«دادگاههای نظامی میتوانند مجازات حبس را با توجه به مراتب جرم، امکانات خا طی و کیفیات مخففه یا سایر اوضاع و احوال به مجازات تعزیری دیگری بشرح زیر تبدیل نمایند.

در مورد پرسنل وظیفه، مجازات حبس کمتر از یکسال به شلاق تا ۷۴ ضربه یا جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال و حبسهای بیشتر از یکسال به تبعید در حال خدمت یا اضافه خدمت حداکثر تا یکسال یا جزای نقدی از دویست هزار الی یک میلیون ریال.

در مورد پرسنل کادر، حبسهای کمتر از یکسال به شلاق تا ۷۴ ضربه یا جزای نقدی از سی هزار تا سیصد هزار ریال یا انفصال از خدمت بطور موقت حداکثر بمدت یکسال یا اقامت اجباری یا منع اقامت در نقطه یا نقاط معین یا انتقال به منطقه معین حداکثر بمدت ۶ ماه یا کسر حقوق به میزان یک سوم حداکثر به مدت ۶ ماه و یا تنزیل درجه یا محرومیت از ترفیع حداکثر تا یکسال یا حبس با خدمت حداکثر تا یکسال و در مورد حبسهای یکسال تا دو سال به جزای نقدی از دویست هزار تا دو میلیون ریال، انفصال موقت یا انتظار خدمت حداکثر بمدت یکسال، اقامت اجباری یا منع اقامت در نقطه یا نقاط معین حداکثر به مدت دو سال، محرومیت از ترفیع حداکثر به مدت دو سال تنزیل یک یا دو درجه یا

محرومیت از تصدی بعضی از مشاغل و مسئولیتها حداکثر بمدت ۱۰ سال.»
 «پس از تصویب قانون مذکور، درخصوص قلمرو اجرایی ماده ۳ آن قانون و تعارض آن با ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی و امکان جمع آنها، نظریاتی از طرف حقوقدانان و مراجع قضایی ارائه شده است که در اینجا بدواً به ذکر چند نکته پیرامون ماده ۳ ق.م.ج.ن.م پرداخته و سپس اشکالات مذکور و نظریات ارائه شده را مورد بررسی قرار خواهیم داد:

۱- اعمال مقررات ماده ۳ صرفاً درخصوص دادگاههای نظامی است و چنانچه پرسنل نیروهای مسلح مرتکب جرمی که در صلاحیت سایر محاکم کیفری است بشوند، دادگاههای مذکور در مقام تخفیف مجازات نمی‌توانند به ماده ۳ استناد کنند و میبایست به ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی استناد نمایند.
 ۲- ماده ۳ صرفاً ناظر به تبدیل مجازات حبس میباشد و تبدیل سایر مجازاتها از قبیل شلاق و جزای نقدی و... کماکان مشمول ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی است.

۲- دادگاههای نظامی در صورتی در مقام تبدیل مجازات حبس میتوانند به ماده ۲ استناد کنند که متهم نظامی باشد و در مواردی که دادگاههای مذکور به اتهام متهم غیرنظامی رسیدگی میکنند (مانند رسیدگی به اتهام شریک یا معاون جرم)، در مقام تبدیل مجازات حبس میبایست به ماده ۲۲ قانون راجع به مجازات اسلامی مراجعه نمایند و نمی‌توانند به استناد ماده ۳ مجازات حبس را تبدیل نمایند.

گفتیم که درخصوص اجرای ماده ۳ ق.م.ج.ن.م و ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی، اشکالاتی ایجاد گردیده و نظریات مختلفی در این زمینه ابراز گردیده است، اشکالات مذکور را در دو قسمت مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف: درخصوص تبدیل حبس در مورد پرسنل وظیفه (تا هر میزان که باشد) و نیز حبس‌های تا دو سال در مورد پرسنل کادر که ماده ۳ صریحاً نسبت به آن تعیین تکلیف نموده است، سؤالی که مطرح است این است که آیا دادگاه میتواند مجدداً با اعمال ماده ۲۲ مجازات را از حداقل مقرر در ماده ۳ تقلیل دهد و مثلاً درخصوص پرسنل وظیفه حبس‌های کمتر از یکسال را به ده هزار ریال جزای نقدی تبدیل نماید یا اینکه در این موارد تبدیل مجازات صرفاً میبایست در قالب ماده ۳ انجام شود و در این موارد ماده ۲۲ قابلیت اجرایی ندارد؟

در این خصوص دو نظریه ارائه شده است: ۱- برخی معتقدند با عنایت به اینکه ماده ۲۲ يك ماده عام میباشد، فلذا اعمال آن در این موارد بلاشکال است و دادگاه میتواند به استناد آن، مجازات حبس را به هر نوع و میزانی تبدیل نماید. ۲- نظر دیگر که نگارنده نیز به آن معتقد است این است که با توجه به اینکه ماده ۳ يك ماده خاص میباشد و درخصوص تبدیل حبس محدودیتهای ویژه‌ای مقرر داشته است فلذا تبدیل مجازات حبس میبایست در قالب ماده مذکور انجام پذیرد و در این موارد استناد به ماده ۲۲ صحیح به نظر نمی‌رسد.

اداره حقوقی قوه قضائیه در پاسخ به استعلامی که از طرف نگارنده به عمل آمده است این نظر را تأیید نموده که جهت اطلاع سؤال مطروحه و نظریه اداره مذکور عیناً نقل میشود:

س: با عنایت به اینکه تبدیل مجازات بشرح مذکور در ماده ۳ خود از مصادیق تخفیف مجازات میباشد آیا دادگاه میتواند مجدداً با اعمال ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی، از حداقل مجازاتی که در ماده ۳ آمده است پایین‌تر آمده و فرضاً درخصوص پرسنل وظیفه حبس‌های کمتر از یکسال را به ده هزار ریال و حبس‌های بالاتر از یکسال را به یکصد هزار ریال جزای نقدی تبدیل نماید؟

نظریه شماره ۷/۹۵۹۴ مورخه ۱۸/۹/۱۳۷۱ اداره حقوقی قوه قضائیه
بشرح زیر می باشد:

«ماده ۳ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، نحوه تخفیف مجازات برخی از جرائم پرسنل نیروهای مسلح را تعیین نموده و قلمرو اجرایی ویژه‌ای دارد. از تاریخ لازم‌الاجراء شدن قانون مذکور، نحوه تخفیف کیفر در قلمرو جرائم مستلزم تا دو سال حبس تابع ماده مذکور بوده و از شمول مقررات ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی خارج است.»

ب: درخصوص تبدیل حبسهای بالاتر از دو سال در مورد پرسنل کادر، ماده ۳ حکمی را مقرر نکرده و بدین جهت درخصوص امکان یا عدم امکان تبدیل حبس‌های مذکور نظریات متفاوتی ارائه شده که ذیلاً به آن اشاره می‌کنیم:

۱- برخی معتقدند با عنایت به اینکه در ماده ۳ راجع به تبدیل این نوع حبس‌ها حکمی مقرر نگردیده است فلذا میتوان به استناد ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی حبس‌های مذکور را به مجازات دیگری تبدیل نمود و دراین خصوص تبدیل مجازات هیچگونه حد و حصری ندارد.

شعبه ۳۱ دیوانعالی کشور بموجب حکم شماره ۳۱/۴۶۲ مورخه ۱۳۷۲/۶/۵ دراین خصوص چنین رأی داده است:

«در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی به دادگاه اجازه داده شده که در صورت احراز جهات مخففه، مجازات تعزیری و یا بازدارنده را تخفیف دهد یا تبدیل به مجازات از نوع دیگر نماید. چون جرم جعل و استفاده از سند مجعول از جرائم قابل تعزیر است، بنابراین به هر درجه که باشد قابل تخفیف و قابل تبدیل است و همانطوریکه قاضی محترم صادرکننده حکم اشاره کرده‌اند ماده ۳ قانون مجازات نیروهای مسلح با ماده ۲۲ مزبور در مورد موضوع پرونده تخالفی

ندارد، زیرا ماده مرقوم همانظوری که دادیار محترم اجرای احکام بیان داشته نسبت به تبدیل حبسهای بیشتر از دو سال درخصوص پرسنل کادر ساکت است و این عدم^(۱) سکوت به معنای عدم امکان تخفیف حبس تعزیری به مجازات تعزیری دیگر نمیباشد، بنابراین اعتراض معترض به حکم صادره موجه به نظر نمی‌رسد و رد میشود....»

اداره حقوقی قوه قضائیه نیز این نظر را تأیید نموده که جهت اطلاع سؤال مطروحه از طرف نگارنده و نظریه اداره مذکور را عیناً نقل می‌کنیم:

س: با عنایت به اینکه ماده ۳ ق. م. ج. ن. م درخصوص پرسنل کادر صرفاً حبسهای را که حداکثر آن دو سال است قابل تبدیل دانسته است و درخصوص حبسهای بالاتر از دو سال ساکت است و این سکوت ظاهراً حاکی از عدم امکان تبدیل میباشد، آیا در این قبیل موارد دادگاه میتواند به استناد ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی، مجازات حبس را تبدیل نماید و در فرض مثبت بودن پاسخ حدود این تبدیل کدام است؟

نظریه شماره ۷/۹۵۹۴ مورخه ۱۸/۹/۱۳۷۱ اداره حقوقی قوه قضائیه بشرح زیر است:

«ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی به دادگاه اجازه داده است که در صورت احراز جهات مخففه مجازات بازدارنده و یا تعزیری را تخفیف دهد یا تبدیل به مجازات از نوع دیگر نماید و حد و حصری از جهت این تخفیف قید نشده است، بنابراین دادگاه با احراز لزوم تخفیف میتواند از حداقل مجازات مقرر نیز مجازات کمتری تعیین نماید یا آن را به مجازات دیگری که اخف است تبدیل نماید.»

جهت اطلاع بیشتر به یکی دیگر از نظریات اداره مذکور اشاره میکنیم:

۱- به نظر میرسد لفظ «عدم» در رأی فوق‌الذکر زائد باشد.

س: با توجه به مفاد ماده ۳ قانون جرائم مجازات نیروهای مسلح مصوب ۷۱/۶/۱۸ مجلس شورای اسلامی آیا مجازات حبس که حداقل آن ۲ سال به بالا میباشد را میتوان به استناد مواد تخفیفی قوانین دیگر در خصوص نیروهای مسلح تبدیل به جزای نقدی نمود یا خیر؟

نظریه شماره ۷/۵۱۹۷ مورخه ۷۲/۹/۲۸ کمیسیون آئین دادرسی کیفری اداره حقوقی قوه قضائیه به شرح ذیل است:

اولاً: درخصوص مجازاتهای بیش از دو سال حبس، اعمال تخفیف منع نشده و برابر ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی امکانپذیر است.

ثانیاً: چون در خصوص نحوه تخفیف مجازاتهای بیش از دو سال حبس، قانون نیروهای مسلح نص خاصی ندارد بنابراین مقررات کلی درباره کیفیات مخففه و نحوه تخفیف در آن دراین رهگذر به قوت خود باقی است و مرجع رسیدگی کننده میتواند حسب مورد وفق ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی و یا تبصره ۱۷ قانون توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران عمل کند.^(۱)

۲- نظر دیگر که نگارنده نیز به آن معتقد است این است که با توجه به اینکه ماده ۳ درخصوص تبدیل حبسهای بالاتر از دو سال در مورد پرسنل کادر ساکت است و قانونگذار نیز در مقام بیان موضوع بوده است، این سکوت حاکی از عدم امکان تبدیل حبسهای مذکور میباشد و در رد نظریه اول میتوان به نکات ذیل اشاره کرد:

الف: اداره حقوقی قوه قضائیه بموجب نظریاتی که سابقاً به آن اشاره کردیم

۱- مجله قضایی و حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران، سال سوم، شماره ۹، زمستان ۷۲ (ص ۱۵۶ و ۱۵۷).

از يك طرف درخصوص حبسهای کمتر از دو سال در مورد پرسنل کادر رعایت ماده ۲ را ضروری می‌داند و از طرف دیگر درخصوص حبسهای بالاتر از دو سال مراجعه به ماده ۲۲ را صحیح می‌داند.

با عنایت به اینکه نتیجه این میشود که دادگاه حبسهای بالاتر از ۲ سال را به هر مجازات دیگری با هر میزانی که بخواهد تبدیل نماید (همانگونه که ماده ۲۲ مقرر کرده است)، بطلان نظریه مذکور آشکار و بدیهی است، چرا که فرضاً درخصوص حبسهای کمتر از یکسال مطابق ماده ۲ دادگاه نمی‌تواند مجازات را به کمتر از سی هزار ریال جزای نقدی تبدیل نماید در حالیکه درخصوص حبسهای بالاتر از ۲ سال به استناد ماده ۲۲ میتواند متهم را به ده هزار ریال جزای نقدی محکوم نماید و واضح است که این نتیجه مد نظر قانونگذار نبوده است.

ب: اعتقاد به امکان اجرای ماده ۲۲ درخصوص حبسهای بالاتر از دو سال مستلزم انتساب فعل عبث به قانونگذار خواهد بود، چراکه در این صورت تفکیکی که در ماده مذکور صورت گرفته و اصولاً وضع ماده مذکور فلسفه خود را از دست می‌دهد.

شعبه ۲۱ دیوانعالی کشور بموجب حکم شماره ۲۱/۷۲۷ مورخه ۱۳۷۲/۹/۴ که بعد از حکم شماره ۲۱/۴۶۲ مورخه ۷۲/۶/۵ که سابقاً به آن اشاره کردیم صادر گردیده است این نظر را تأیید نموده است مطابق رأی مذکور: «صرفنظر از اینکه دادگاه در رأی صادره به ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی استناد نکرده چون در تعیین مجازات به مواد ۶۷ و ۶۸ ق.م.ج.ن.م استناد شده بایستی به منظور تخفیف مجازات نیز به ماده ۲ این قانون که قانون خاص است استناد شود، آن هم خاصی که بعد از عام وضع و تصویب شده و جرم هم در زمان قانون خاص واقع شده است.

علیهذا، اعتراض دادیار اجرای احکام دادرسی نظامی شیراز وارد است و حبسهای بیش از دو سال قابل تبدیل به مجازات جریمه نقدی نیست...».

نکته دیگری که لازم است به آن اشاره شود این است که هرچند درخصوص موارد مذکور در ماده ۲ لازم است دقیقاً مطابق ماده مذکور عمل نمود و در مورد پرسنل کادر حبسهای بیش از ۲ سال قابل تبدیل نیست، لکن با توجه به اشکالاتی که رعایت ماده مذکور در زمینه فردی کردن مجازات بوجود آورده و مراجع کیفری را در انتخاب مجازات متناسب با محدودیتهایی مواجه نموده است پیشنهاد میگردد که قوه مقننه نسبت به حذف ماده مذکور یا اصلاح آن اقدام نماید.

نکته‌ای که در خاتمه لازم است به آن توجه شود این است که هرچند اعمال کیفیات مخففه مربوط به زمان صدور حکم میباشد لکن در برخی موارد قانونگذار بعد از صدور حکم نیز تخفیف مجازات را مجاز شمرده است که ذیلاً به آن اشاره می‌کنیم:

الف: مطابق ماده ۶ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶: «در کلیه محکومیت‌های جنحه‌ای در صورتی که دادستان از حکم صادر شده پژوهش یا فرجام نخواستہ باشد، محکوم‌علیه میتواند با رجوع به دادگاه صادرکننده حکم ضمن اسقاط حق و انصراف از شکایت پژوهشی یا فرجامی، یا استرداد آن، تخفیف در مجازات خود را تقاضا کند.

دراین صورت دادگاه در وقت فوق‌العاده با حضور دادستان به موضوع رسیدگی میکند و تا یک ربع از مجازات مندرج در حکم را اعم از حبس یا جزای نقدی تخفیف می‌دهد و این رأی قطعی است ولی در هر حال هیچ مجازات حبسی را با رعایت تخفیف مندرج در این ماده نمی‌توان به جزای نقدی تبدیل نمود.»

درخصوص این ماده توجه به نکات ذیل ضروری است:

۱- با عنایت به الغاء تقسیم‌بندی سابق جرائم و مجازاتها (جنایت، جنحه، خلاف)، درخصوص قابلیت اجرائی ماده مورد بحث دو تصور وجود دارد:

تصور اول این است که با توجه به اینکه در سیستم فعلی حقوق کیفری ما مجازاتها به حدود و قصاص و دیات و تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده تقسیم گردیده است فلذا اعمال ماده مذکور در خصوص مجازاتهای فعلی امکانپذیر نیست.

تصور دوم که به نظر ما با واقعیت انطباق بیشتری دارد این است که با توجه به اینکه مطابق ماده ۹ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ مجازاتهای جنحه، حبس جنحه‌ای از ۶۱ روز تا سه سال و جزای نقدی از ۵۰۰۱ ریال به بالا بود، فلذا در وضعیت فعلی در خصوص مجازاتهای تعزیری و بازدارنده در مواردی که مجازات جرمی منطبق با مجازاتهای مقرر در ماده ۹ قانون فوق‌الاشعار باشد (حبس بیش از دو ماه و حداکثر تا سه سال و جزای نقدی از ۵۰۰۱ ریال به بالا)، اعمال ماده ۶ قانون صدرالاشعار بلااشکال است. تفسیر به نفع متهم نیز مؤید این نظر است.

۲- با عنایت به اینکه مطابق بند ۵ ماده ۴۶ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲، تخفیف مجازات درخصوص جرائم جنحه‌ای صرفاً تا حداقل حبس و جزای نقدی (۶۱ روز حبس و ۵۰۰۱ ریال جزای نقدی) امکان پذیر بوده است فلذا، در وضعیت فعلی ماده ۶ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری در مواردی قابل اعمال است که مجازات مقرر در حکم دادگاه بین حداقل و حداکثر مجازات قانونی جرم تعیین شده باشد و در مواردی که مجازات از حداقل کمتر تعیین شده یا به مجازات دیگری تبدیل گردیده است اعمال ماده مورد بحث صحیح به نظر نمی‌رسد.

۳- تخفیف مجازات محکوم‌علیه در ماده ۶ از تکالیف دادگاه است و میزان آن نیز حداکثر یک ربع از مجازات مقرر در حکم اولیه می‌باشد.

۴- باتوجه به حذف پژوهش و فرجام از سیستم دادرسی ما، در وضعیت فعلی شرط اعمال ماده ۶ این است که دادستان نسبت به حکم صادره تقاضای تجدیدنظر نکرده باشد و محکوم‌علیه نیز حق تجدیدنظر خود را اسقاط نماید و در صورتی که تجدیدنظرخواهی نموده باشد درخواست تجدیدنظر خود را مسترد دارد.

ب: مطابق ماده ۲۵ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری: « هرگاه شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم غیرقابل گذشت بعد از قطعیت حکم از شکایت خود صرف‌نظر نماید، محکوم‌علیه می‌تواند با استناد به استرداد شکایت از دادگاه صادرکننده حکم قطعی درخواست کند که در میزان مجازات او تجدیدنظر نماید.

در این مورد دادگاه به درخواست محکوم‌علیه در وقت فوق‌العاده با حضور دادستان تشکیل می‌شود و مجازات را در صورت اقتضاء در حدود قانون تخفیف خواهد داد، این رأی دادگاه قطعی است».

در خصوص ماده مذکور توجه به نکات ذیل ضروری است:

۱- ماده مذکور صرفاً در خصوص جرائم غیرقابل گذشت می‌باشد و در خصوص جرائم قابل گذشت چنانچه شاکی یا مدعی خصوصی بعد از صدور حکم از شکایت خود صرف‌نظر نماید، اجرای حکم موقوف می‌گردد.

۲- تخفیف مجازات در مورد این ماده از اختیارات دادگاه است و برخلاف ماده ۶ که تخفیف مجازات از تکالیف دادگاه بود قانونگذار با ذکر عبارت «....»

در صورت اقتضاء...» در ماده ۲۵، در مورد اخیر تخفیف مجازات را به نظر دادگاه واگذار کرده است.

۳- میزان تخفیف در ماده ۲۵ (برخلاف ماده ۶) مشخص نشده و دادگاه میتواند مجازات را در حدود قانون به هر میزانی تخفیف داده یا آن را به مجازات دیگری تبدیل نماید.